

برنامه ایالات متحده و اسرائیل، موجودیت فلسطینی «ناسیاسی» و «تکنوکراتیک» تصویر می کند که تنها به عنوان ارائه‌دهنده خدمات عمل خواهد کرد. این شبیه به نقشی است که تشکیلات خودگردان در کرانه باختری ایفا می کند. تحت قوانین فلسطین، تشکیلات خودگردان فلسطین، مأموری از سوی سازمان آزادی‌بخش فلسطین یا سافا است که به عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت شناخته شده، اما برنامه آمریکا و اسرائیل آن را از هر گونه جایگاه حکمرانی در غزه مستثنی می کند، تا زمانی که برخی اصلاحات را با تعاریف نامعلوم و نامشخص، اعمال کرده باشد. این اصلاحات شامل اصلاحاتی می شوند که در برنامه صلح ۲۰۲۰ ترامپ به آن‌ها اشاره شده بود و نیازمند این خواهند بود که تشکیلات خودگردان، پیگیری مسئولیت قانونی اسرائیل بابت جرائم جنگی را متوقف کند. نتانیاوو، شانه‌به‌شانه رئیس‌جمهور ایالات متحده، تکرار کرد که فلسطینیان باید، «جدال قانونی» را علیه اسرائیل در آی‌سی‌جی و دیوان بین‌المللی کیفری، آی‌سی‌سی، متوقف کنند. این خواسته، اهمیت ویژه‌ای دارد، از این رو که آی‌سی‌سی در سال ۲۰۲۴، برای نتانیاوو وزیر دفاعش، یووا گالاتت، بابت جنایات جنگی، حکم بازداشت صادر کرد. این جنایات شامل تحمیل تجمدی گرسنگی به مردم غزه می‌شود. در پرونده آی‌سی‌جی علیه اسرائیل بابت اتهامات نسل‌کشی، هنوز تصمیمی بر مبنای مفاد پرونده صادر نشده است.

مشروط‌کردن بازگشت تشکیلات خودگردان به حکمرانی، به موافقتش با پس گرفتن پرونده‌های قانونی، تلاشی برای ممانعت از اجرای فرایندهای قانونی است؛ آن هم در شرایطی که تشکیلات خودگردان هیچ ظرفیت و امکانی برای توقف این پرونده‌ها ندارد. برنامه بیست‌ماده‌ای، رف ممانعت از ورود غذا، دارو و دیگر ملزومات اساسی بشری را به پذیرش این توافق از سوی حماس وصل می‌کند. این کار، در واقع، پرونده آی‌سی‌سی را در موضوع تسلیحاتی‌کردن کمک‌های انسان‌دوستانه، قوی‌تر می‌کند. در هر صورت، این شروط به نظر زهرهایی می‌آیند که در میان بندهای توافق جاسازی شده‌اند.

اگر درباره جدی نبودن این برنامه تردیدی هم مانده بود، بعد از انتشار آن، نتانیاوو در سخنانی به زبان عبری تصریح کرد که سربازان اسرائیل در بیشتر مناطق غزه باقی خواهند ماند و او موافقتی نکرده که اجازه برپایی دولت مستقل فلسطینی را بدهد. در واقع، این توافق تنها می‌پذیرد که «ممکن است» شرایطی برای «مسیری معتبر به حق تعیین سرنوشت فلسطینیان و تشکیل کشور آن‌ها» ایجاد شود. نمی‌پذیرد که فلسطینیان حقی قانونی و پذیرفته‌شده به صورت بین‌المللی برای تعیین سرنوشت در قلمروهای فلسطینی دارند؛ قلمروهایی که از ژوئن ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده‌اند.

تلاش‌های نشست سازمان ملل متحد، مستقیم در تناقض با ابتکار آمریکایی اسرائیلی برای آتش‌بس در غزه قرار می‌گیرند. ایده آمریکا و اسرائیل، مسیر اعمال نظر مشورنی آی‌سی‌جی را تخریب می‌کند، با رف اولویت از حق تعیین سرنوشت فلسطینیان و پذیرش حضور اسرائیل در قلمروهای اشغالی فلسطینی، به‌عنوان مسئله‌ای بدون پایان مشخص. این برنامه، طراحی شده تا مانعی باشد، درست بر سر راه همان سازوکارهای قانونی بین‌المللی که کشورها را بسیج کرد تا کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند و برای اسرائیل، بابت رفتارش در غزه و کرانه باختری، مکافات اعمال کنند.

علی‌رغم این، کشورهای حامی اعلامیه نیویورک و حامی کار نشست سازمان ملل متحد، باید به پیگیری اقدامات جمعی و منفرد برای پایان‌دادن به جنگ غزه و رفع اشغال اسرائیل ادامه دهند. آن‌ها باید علاوه‌براین با دولت آمریکا هم کار کنند تا این برنامه ۲۰ ماده‌ای را مورد بازبینی قرار دهد، به‌شکلی که هم‌راستایی بیشتری با مشروعبین بین‌المللی داشته باشد. هر چیزی کمتر از این، تضعیف تلاش‌های چندجانبه برای حل اختلاف و تضعیف قوانین بین‌المللی خواهد بود و این خطر را ایجاد می‌کند که کشورهایی ناآل را شریک جرائم جنگی کند.

➤ اهداف دولت را پیش می‌برد. این اهداف شامل تسلیم حماس و در اختیار گرفتن کنترل امنیتی غزه و پیرامون آن توسط اسرائیل می‌شوند. اما برنامه ترامپ فاقد جزئیات است، از جمله اینکه هیچ گونه چارچوب زمانی برای خلع سلاح حماس در آن نیست. ارجاع مبهم به کشورشدن فلسطین هم احتمالاً متحدان راست افراطی نتانیاوو را خشمگین خواهد کرد.

میچل باراک، نظرسنج اسرائیل که در دهه ۱۹۹۰ برای نتانیاوو کار می‌کرد گفته است به باور او، دولت در حال رسیدن به نقطه پایان خود است، گرچه او انتظار فروپاشی فوری را ندارد، چراکه مخالفان دولت از برنامه ترامپ حمایت می‌کنند و در عین حال، اسمو تریج و بن گویر به جز هماهنگ‌ماندن با نتانیاوو، گزینه‌های اندکی دارند.

یائیر لاپید، از رهبران جریان‌های مخالف، پیشنهاد داده از دولت حمایت کند تا مانع از فروپاشی آن شود و به این ترتیب دولت بتواند برنامه ترامپ را پی بگیرد. لاپید روز یکشنبه گفت نتانیاوو می‌تواند با تاریخی برای انتخابات موافقت کند و به این ترتیب «بیمه‌ای» در مقابل آنچه او «شرکای افراطی و بی‌مسئولیت» نخست‌وزیر خواند، ارائه کرد.

روزیک‌شنبه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای از تصمیم حماس برای پذیرش طرح آتش‌بس ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان نسل‌کشی دو ساله در غزه حمایت کرد. در این بیانیه آمده‌است: «هرگونه تصمیم‌گیری در این خصوص را در صلاحیت مردم و مقاومت فلسطین دانسته و از هر تصمیم آنها که متضمن توقف نسل‌کشی فلسطینیان، خروج ارتش اشغالگر صهیونیستی از غزه، احترام به حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، ورود کمک‌های بشردوستانه و بازسازی غزه باشد، استقبال می‌کند.» این بیانیه ساعاتی پس از آن منتشر شد که حزب‌الله لبنان هم با صدور بیانیه‌ای از تصمیم حماس اعلام حمایت کرده بود. جعفرقناد باشی، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه معتقد است که تصمیم حماس به پذیرش طرح آتش‌بس توپ را در زمین آمریکا و اسرائیل می‌اندازد و حمایت ایران و حزب‌الله لبنان از تصمیم مستقل گروه‌های مقاومت فلسطینی، نشانه‌ای از حفظ اتحاد در جبهه مقاومت و شکست تلاش‌ها برای ایجاد شکاف و چنددستگی در مقاومت منطقه است. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با جعفر قنادباشی، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه مطالعه می‌کنید:

➤ وزارت امور خارجه ایران بیانیه‌ای صادر کرد و از موضع حماس در قبال پیشنهاد آتش‌بس دونالد ترامپ حمایت کرد؛ اما بخش‌هایی از این پیشنهاد آتش‌بس، چندان با سیاست‌ها و رویکردهای ایران سازگار نیست. با توجه به این موضوع دلیل و انگیزه اعمال حمایت ایران از موافقت حماس با این پیشنهاد چیست؟

پاسخ حماس، در واقع دقیقاً همان چیزی است که نه آقای نتانیاوو می‌خواست و نه آقای ترامپ؛ یعنی پاسخی است که بر خلاف خواست آن‌ها، در واقع توپ را به زمین نتانیاوو و ترامپ می‌اندازد، چراکه این پاسخ، درون خود، دو سه موضوع بسیار مهم و کلیدی دارد که در واقع با راهبردهای ما منطبق است. یکی تأکید این پاسخ بر توقف جنگ و خروج نیروهای رژیم صهیونیستی، قبل از آزادی سراسرت. این با راهبردهای ما، با راهبردهای حماس و مواضع اولیه حماس بسیار هماهنگ است. مسئله بعدی، رد استقرار هر گونه تشکیلات غیرفلسطینی در غزه است. این هم باز با راهبردهای ما منطبق است. موارد دیگر، موارد بسیار جزئی است. شما اصل طرح آقای ترامپ را که نگاه کنید، دیگر موارد آن مسائل شعاری یا فرعی است. مسئله اصلی، توقف جنگ و خروج نیروهای اسرائیلی است و بعد به‌طور خاص، تقدم و تأخر آن که در پاسخ حماس مستتر است؛ یعنی این که ابتدا توقف و خروج نیروها و بعد آزادی اسرا، آن هم نه بی قیدوشرط، بلکه بر اساس مذاکره. هر گونه مذاکره آمریکا با حماس، یعنی به رسمیت شناختن حماس و این هم باز مسئله بسیار مهمی است که جمهوری اسلامی ایران با آن موافقت کرد.

➤ شاهد بودیم که آقای نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، در سخنرانی روز شنبه خود به‌شدت از طرح آتش‌بس ترامپ انتقاد کردند؛ اما درست یک روز بعد حزب‌الله بیانیه‌ی داد و از موضع حماس در پذیرش پیشنهاد حمایت کرد. این تغییر موضع به چه دلیل بود؟

به هیچ وجه تغییر موضع نیست. طرح آقای ترامپ طرح مورد انتقادی است. بسیار غیرمنطقی با خواست مردم فلسطین است. در واقع طر حی انگلیسی است و پیشنهاد انگلیسی‌هاست که برای نجات نتانیاوو از جنگ و کاهش انتقادات از آمریکا ارائه شد. انتقادات به این طرح وارد است. حماس هم هرگز نگفته است این طرح، طرح درستی است یا آن را تأیید نکرده است. در این باره نباید اشتباه کنیم یا دچار مغفله شویم. حماس هرگز طرح را تأیید نکرده است. حماس نه با طرح موافقت کرده، نه آن را رد کرده، نه قضاوتی درباره آن کرده است. مسلماً اگر الان هم از حماس بپرسید که آیا این طرح خوبی است، همان مواضع آقای نعیم قاسم را خواهد گفت. بحث قضاوت نیست.

شما دو گونه می‌توانید با این طرح برخورد

سه شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۸۹۹
www.hammihanonline.ir

نگاه کارشناس

تحلیل جعفر قنادباشی کارشناس مسائل خاورمیانه از طرح ترامپ، پاسخ حماس و بیانیه ایران:

واکنش حماس برخلاف خواست اسرائیل و آمریکا بود

کنید. یکی اینکه قضاوت کنید که آیا طرح درستی است؟ نه. طرح بر اساس خواسته‌های آمریکا و آقای نتانیاوو تنظیم شده و خواسته آن‌ها را بیان می‌کند. اینجا پاسخ دادن به این طرح به معنی موافقت با کل طرح نیست. حماس هرگز نگفته با طرح موافق است. پاسخی داد که نه مثبت بود نه منفی. نه رد کرد و نه قبول کرد. بلکه نظر خود را درباره این سه موضوع گفت. یکی اینکه جنگ باید متوقف شود، یکی اینکه نیروهای اسرائیلی باید خارج شوند و بعد اسرا باید طبق مذاکره آزاد شوند و دیگر اینکه تشکیلات فلسطینی باید حاکم باشد. آقای نعیم قاسم نظری کلی داده است. او در مقام پاسخگویی به این طرح نبود. حماس بود که مخاطب این طرح بود و باید پاسخ می‌داد و پاسخ داد. آقای نعیم قاسم در مقام قضاوت بود. حماس در مقام قضاوت نبود، بلکه در مقام پاسخگویی بود. پاسخ‌دادن با قضاوت متفاوت است. در امور شخصی هم اتفاق می‌افتد. شما تصور کنید می‌خواهید منزلی بخرید. یک وقت می‌گویید این منزل خوبی نیست؛ اما یک وقت می‌پرسند حالا در این شرایط ممکن است این منزل را خریداری کنید؟ آن وقت نظری می‌دهید که یا موافق است یا مخالف. اینجا موضوع کاملاً متفاوت است. ما نباید دچار این مغفله شویم که تصور کنیم، قضاوت درباره یک طرح کلی ۲۰ ماده‌ای با پاسخ‌دادن به این طرح به عنوان مخاطب یک چیز است. این‌ها دو موضوع کاملاً متفاوت هستند.

➤ با توصیف شما می‌شود گفت حماس به این دلیل با طرح موافقت کرد که توپ را به زمین اسرائیل و آمریکا باندازد؟

دقیقاً همین‌طور است. حماس چند اقدام مختلف با این پاسخ انجام داد. اول اینکه چهره درست و منطقی از خود نشان داد؛ دوم، پاسخی که آن‌ها تصور می‌کردند نداد؛ سوم، اسرائیلی‌ها را در فشار بیشتر قرار داد. زمانی که حماس می‌گوید باید جنگ متوقف شود و نیروهای اسرائیلی خارج شوند، طبیعتاً این با خواست افراطیون اسرائیلی منطبق نیست و دیدید که ولوله‌ای درون رژیم صهیونیستی افتاد. به محض اینکه این طرح منتشر شد و حماس موافقت کرد، در میان مخالفین آقای نتانیاوو، انتقادهای زیادی از او شروع شد. حتی نسبت به آقای ترامپ چنین شد و هم روزنامه‌های اسرائیلی، تبلیغاتی علیه او به راه انداختند که او یکی از نیروهای حماس شده است. کاریکتوری از ترامپ ساختند که سرپند حماس داشت. این نشان داد که حماس با این اقدامش، درون نیروهای اسرائیل، درون جامعه صهیونیستی و نیز علیه ترامپ، ولوله‌ای ایجاد کند.

➤ فکر می‌کنید بیانیه حمایت ایران و بیانیه حمایت حزب‌الله، نشان‌دهنده همان وحدت جبهه‌هایی باشد که در اوایل جنگ شاهد بودیم؟

نشان‌دهنده منطقی درست در مقابله با سیاست‌هایی است که انواع و اقسام فریب‌کاری‌ها را دنبال می‌کنند. ما از روند حماس حمایت کردیم. حماس هم بنا به گفته آقای خالد قدومی، نماینده‌اش در ایران، برای پاسخ‌دادن با همه طرف‌های جبهه مقاومت رایزنی کرده است؛ یعنی در واقع پاسخی که حماس داده، اقدامی خودسرانه نبوده و با رایزنی بوده است؛ اما ما در آغاز طوفان الاقصی، هیچ اطلاعی نداشتیم. حزب‌الله هم هیچ اطلاعی نداشت. اخیراً هم اطلاعاتی انتشار پیدا کرد و دوستان آقای سید حسن نصرالله تأکید کردند که آقای سید حسن نصرالله، هیچ اطلاعی از آغاز طوفان الاقصی نداشت. آن‌ها آغاز کردند و ما هم اطلاع نداشتیم. فقط وقتی آغاز شد، چون حرکت صحیحی بود، ما از آن حمایت کردیم. اینجا هم ما در تنظیم این پاسخ هیچ نقشی نداشتیم. حماس مستقل تصمیم گرفته است و این بسیار مهم است. این پاسخ، نه موافقت است و نه مخالفت و فشار را به صهیونیست‌ها برمی‌گرداند. این خیلی مهم است که روزنامه‌ها بگویند آقای الحیه که قرار بود ترور شود، در مقابل اسرائیلی‌ها می‌نشیند؛ یعنی همان حماس را به رسمیت شناخته‌اند که دارند با او گفت‌وگو می‌کنند. دقیقاً همان چیزی که اسرائیلی‌ها نمی‌خواهند، دارد در قاهره رخ می‌دهد.

➤ به اعتقاد شما، آیا حمایت ایران از موضع حماس، پیامی هم برای دولت دونالد ترامپ و آمریکا داشت یا نه؟

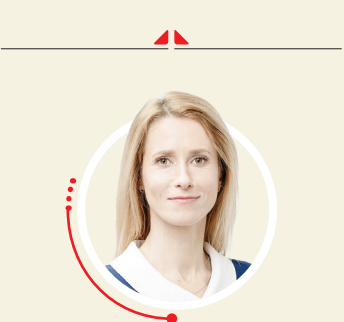
نه. مسئله فلسطین مسئله جداگانه‌ای است و به نظر من هیچ پیامی از این لحاظ ندارد. پیامش وحدت میان نیروهای مقاومت است، هوشیاری و خردمندی است که در ایران هست و شکست تلاش‌های آن‌ها برای جداکردن بخش‌های جبهه مقاومت از همدیگر.

دیپلمات‌ها



برنامه‌ای برای مذاکره نداریم

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی درباره مذاکره با تروئیکای اروپایی گفت: «ما فعلاً برنامه‌ای برای مذاکره نداریم.» وی افزود: «ما در حال حاضر متمرکز بر بررسی آثار و تبعات اقدام سه کشور اروپایی و آمریکا هستیم.» بقایی ادامه داد: «دیپلماسی به مفهوم ادامه تماس‌ها وجود دارد و ما هرگاه احساس کنیم که دیپلماسی می‌تواند اثربخش باشد بر اساس منافع ملی کشور تصمیم می‌گیریم و در ارتباط با آن اقدام می‌کنیم.» بقایی تأکید کرد: «تکرار می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه برای مذاکره التماس نمی‌کند. مذاکره امری دوسویه است که تصمیم‌گیری درباره آن باید با اطمینان از تأمین منافع ملی صورت گیرد. همان‌گونه که حراست از امنیت و منافع ملی اهمیت دارد، صیانت از عزت ملی نیز برای ما حیاتی است. برخورد عزتمندانه در سیاست خارجی مستلزم آن است که مطمئن شویم فرایند دیپلماتیک در جهت تأمین حقوق و منافع ملت ایران پیش می‌رود.»



اسنپ‌یک نباید پایان دیپلماسی باشد

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که برای شرکت در نشست عالی امنیت و همکاری منطقه‌ای به کویت سفر کرده است، بار دیگر تأکید کرد که فعال‌شدن سازوکار پس‌گشت (اسنپ‌ک) به معنای پایان دیپلماسی با ایران نیست و مذاکره همچنان تنها راه‌حل پایدار در موضوع هسته‌ای ایران به شمار می‌رود. کایا کالاش گفت: «۱۰ سال پس از اجرایی شدن برجام، شورای امنیت سازمان ملل متحده هفته گذشته تحریم‌ها علیه ایران را دوباره اعمال کرد.» او ادعا کرد سه کشور اروپایی «پنجره فرصتی را در این زمینه ایجاد کردند اما این اقدام منجر به ایجاد شرایط لازم برای تمدید احتمالی قطعنامه مرتبط شورای امنیت نشد.» وی افزود: «اتحادیه اروپا اکنون تمام تحریم‌های پیشتر لغوشده سازمان ملل و تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای را بدون تأخیر دوباره اعمال خواهد کرد.» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه تأکید کرد: «اما بازگشت تحریم‌ها و محدودیت‌های هسته‌ای نباید پایان دیپلماسی باشد. از این رو، من به گفت‌وگو با همه طرف‌های ذ‌ربط از جمله ایران ادامه خواهم داد، زیرا راه‌حل پایدار برای مسئله هسته‌ای ایران تنها از طریق مذاکره و دیپلماسی قابل دستیابی است.» کالاش مدعی شد: «ما می‌توانیم با همکاری یکدیگر اطمینان حاصل کنیم که ایران به‌شریکی مسئول تبدیل شود.»

ادامه سر مقاله

برخورد نتانیاوو با توافق اولیه حماس نشان داد که از موضع حماس شوکه شده و تصور نمی‌کرد که آنها چنین موضعی بگیرند و او را به گوشه‌ریز ببرند. برخورد سرد او با ترامپ و عصبانیتش از ماجرا و برخورد تند ترامپ با او نشانه همین واقعیت است.

اهمیت طرح ترامپ در این است که تقریباً همه کشورهای مهم و نهادهای بین‌المللی را به موضع‌گیری واداشته است و در این میان موضع ایران نیز اهمیت زیادی دارد. درباره بیانیه وزارت امور خارجه ایران در خصوص این موضوع سه تحلیل و نگاه وجود دارد. اول همان تندروها هستند، که به‌اینباره اخلاف منویات مثلاً انقلابی خود دیده و خواهان صراحت علیه آن و تکرار شعارهای پرهزینه گذشته هستند. دوم کسانی که آن را بی‌خاصیت و کم‌اثر می‌دانند و سوم آنان که این را گامی رو به جلو هرچند ناکافی می‌دانند. رو به‌جلو از این جهت که فلسطینی‌ها را مرجع اصلی برای تصمیم‌گیری در این باره پذیرفته و از تکرار شعارهای تبلیغاتی و پرهزینه گذشته پرهیز کرده است. به نظر می‌رسد که این بیانیه و اعلان موضع آن، می‌تواند سرائع‌ا تغییر مثبت در رویکرد خارجی ایران باشد. از این رو باید از این بیانیه استقبال کرد و انتظار داشت که در ادامه و آینده روشن‌تر و موثرتر صادر شود.